

تهیه، تدوین و پژوهش: راد مرد

تاریخ سخن میگوید: چگونه آمریکا شکار افراطیون شد؟

(قسمت سیزدهم)

نقش پارلمان در کشور



می‌گذرد ایام فقری بی نوایان غم مخور
می‌شود آباد روزی شهری و یران غم مخور
بعدی هر شب می‌رسد صبح بهاران غم مخور
می‌شوند اسیری دست شیر مردان غم مخور
با زمی گردد طلوعی فخر افغان غم مخور
عنقریب است باز پرس خاکفروشان غم مخور
در سی باشد بهر افغان از نیاکان غم مخور
لاله می‌روید سر قبر شهیدان غم مخور
میشوند خار و حقیر دالر پرستان غم مخور
می‌رسد اینجا سپاه سر به داران غم مخور.

دشمنت آخر فنا است ای عزیزان غم مخور
گرچه اکنون و طنت رادیدی ویران کرده اند
حادثات ناگوار همیشه در تقدیر ماست
عالمین جرم قتل صد هزاران بی گناه
در روند چرخ گردون هر شبی دارد سحر
اجنبی‌گر ظلم دارد غم مکن غصه مخور
مردم آزاد ما آزادی آموخته اند
جان خود را می‌کنیم قربان وطن این زمان
مام میهن را نگر در زیر لب گوید چنین:
توبر و شاعر دیگر تشویش مکن خنده بز ن

تجربه بشری در طول تاریخ در حوزه سیاست و قدرت دست آوردهای بسیاری را کسب نموده است. این دست آوردها با گذشت زمان متحول و متکامل شده و عملاً به سمت و سویی راهنمایی گردیده که با فطرت انسانی هم خوانی و سنخیت بیش تری داشته است. نظام های مختلف سیاسی که در طول تاریخ شکل گرفته است، در واقع تلاش هایی برای پیدا کردن الگوی مناسب سیاسی مبتنی بر ماهیت بشری است. جوامع مختلف بر اساس اصل آزمون و خطا سعی نموده اند نظام های مختلف را تجربه کنند، وجوه مغایر با ماهیت انسانی آن را بزدايند و وجوه موافق آن را نه تنها برای خود نگه دارند بلکه به دیگر جوامع هدیه نمایند. بر این اساس در مسیر تکامل نظام های سیاسی، شاهد نوعی هم گرایی و مشابه سازی در جوامع مختلف حتی با فرهنگ های مختلف هستیم. اصولی هم چون تفکیک قوا، مسئولیت حاکمان، حاکمیت ملت، دوره ای بودن مسئولیت، انتخابات، همه پرسی، رفاه اجتماعی و... در شرایط کنونی مختص به يك کشور یا قوم خاص و پیروان يك مذهب و ویژه نیست، بلکه در گوشه و کنار جهان، خواه در آفریقای سیاه یا آسیای زرد و اروپای سفید و آمریکای جنوبی سرخ یا پیروان مسیح و اسلام و بودایی و هند و و یهودی و بت پرست، قابل قبول و رویت است.

هر کشور و جامعه ای که بتواند از دست آوردهای اجتماعی بشری بهره جوید و مجهز به دانش سیاسی روز گردد، از مرتبه و جایگاه بالایی در بین دیگر ملل برخوردار خواهد بود. دانش سیاسی مبتنی بر تجربیات بشری هیچ رنگ و بوی ایدئولوژیک و اعتقادی خاص ندارد و متعلق به همه بشریت است. برابر ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر کس حق دارد که در حکومت کشور خود، خواه به طور مستقیم و خواه به واسطه نمایندگان که آزادانه انتخاب شوند، شرکت جوید... اساس قدرت حکومت، اراده مردم است. این اراده باید در انتخابات ادواری و سالمی ابراز شود که با حق رأی همگانی و مساوی و نیز با رأی مخفی یا روش های رأی گیری آزاد نظیر آن برگزار می شود». موضوع که تقریباً به اتفاق آرای ملل رسیده است.

دموکراسی نمایندگی است. یعنی به جای این که تک تک افراد راجع به تک تک موضوعات اظهار نظر نمایند برای سهولت اجرایی، افراد جامعه تعداد محدودی را به نمایندگی از سوی آحاد مردم برای اعمال حق حاکمیت ملت و برای مدت معین انتخاب می‌کند. نمایندگان برگزیده با انتخابات مردم مشروعیت سیاسی خود را احراز می‌نمایند زیرا در صورت عدم اتکا به آرای مردم جایگاه نمایندگی آنان مفهومی نخواهد داشت و فاقد مشروعیت سیاسی خواهند بود و

مانند این است که شخصی بدون نظر و رضایت کسی خود را وکیل و نماینده او بخواند و در اموال و مالکیت او تصمیم گیری و اعمال نظر نماید. بدیهی است از نظر عرفی و حقوقی چنین شخصی "متجاوز و غاصب اموال غیر" نامیده می شود. پرواضح است برای تبلور چنین هدفی، آزادی انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان از اوجب واجبات به حساب می آید؛ زیرا تجربیات متوالی بشری به کرات ثابت نموده است که بدون وجود آزادی سیاسی، امکان بمنصه ظهور درآمدن اراده جمعی در انتخابات میسر نیست و در این صورت حق حاکمیت مردم تعیین پیدا نخواهد کرد آزادی از چنان مرتبت و جایگاهی برخوردار است که حتی استقلال و تمامیت ارضی کشور هم نمی تواند بهانه ای برای پایمال کردن آن باشد و همچنین شکل و شمایل قانونی هم نمی تواند مانع از آزادی مردم گردد. دانشمندان علوم سیاسی بخاطر حفظ حقوق و آزادی های افراد، جلوگیری از به استبداد کشانیدن قدرت و تمرکز آن بدست يك فرد یا يك نهاد، نیوری تفکیک قوا را ارائه داشته اند که بر مبنای آن قدرت در يك نظام سیاسی بین سه ارگان یا قوه تقسیم میشود: - قوه اجرائیه یا حکومت - قوه قضائیه - قوه تقنینیه. ولی قوه سوم که بطور غیرمستقیم دموکراسی را تمثیل مینماید، همانا پارلمان میباشد. پارلمان وظیفه دوگانه بی را ایفا مینماید که همانا وضع قوانین و نظارت بر تطبیق آن میباشد. قدرت مردم در پارلمان است که به نمایش گذاشته میشود. پارلمان یعنی مجمع نمایندگان که وظیفه قانونگذاری را به عهده دارند. در افغانستان آنرا شورای ملی، در ایران و ترکیه آن را مجلس، در ایالات متحده و برخی کشورهای آمریکایی لاتین آن را کنگره می نامند. در برخی کشورها پارلمان مرکب از دو مجمع است مثل شورا و سنا. قاعدتاً اعضای پارلمان انتخابی هستند یعنی از طرف مردم و به آرای آن ها برای تشکیل قوه مقننه و تدوین قوانین برگزیده می شوند. در برخی موارد آن ها را انتصاب میکنند. در کشورهای سرمایه داری از نظر ماهیت، میزان قدرت و رابطه با دولت دو نوع پارلمان وجود دارد. در کشورهای جمهوری پارلمانی (ایتالیا، ترکیه و هند و ...) یا در ممالک مشروطه سلطنتی (انگلستان، سوئد و دانمارک) اصل بر اینست که پارلمان بر کلیه اعمال دولت نظارت دارد و در حقیقت مرجع عالی مملکتی شمرده می شود. در کشورهای دیگری که رئیس جمهور از اختیارات وسیع برخوردار است (ایالات متحده آمریکا، فرانسه و عده ای از کشورهای آمریکایی لاتین) پارلمان فقط از نظر قانونگذاری نقشی ایفا می کند و چه بسا که هیئت دولت حتی به طور صوری هم در مقابل پارلمان پاسخگو نیست. در هر دو دسته کشورها، پارلمان با اختیاراتی وسیع یا محدود، به طرز کم و بیش صوری یا عملی و تا حدودی مستقل فعالیت می کند. حساب کشورهای دیکتاتوری، اگرچه به ظاهر دارای مجلس باشند جداساز است. در این دسته از کشورها پارلمان فاقد هر گونه محتوا بوده سران رژیم، سلاطین، دیکتاتورهای دست نشانده با صحنه سازی انتخاباتی مجهول و فرمایشی در حقیقت عده ای را به شغل نمایندگی مجلس منصوب می کنند تا روپوش و نقابی برای نظام استبدادی باشد. در کلیه ممالک سرمایه داری به عنوان و یا اشکال مختلف در آراء مردم دخل و تصرف می شود و افکار عمومی منحرف می گردد، محدودیت ها ایجاد می شود تا پارلمان واقعاً مجمع نمایندگان مردم و بیان گر خواست ها و عقاید آن ها نباشد و هر چه ممکن باشد عده نمایندگان اصیل زحمتکش کمتر گردد. اما در افغانستان آمار ها نشان می دهد که چهار سال بعد از سقوط طالبان، هنوز هم افغانستان با تولید ۸۷ درصد مواد مخدر جهان در صدر تولیدکنندگان این مواد قرار دارد و به رغم آنکه کابل ادعا می کند که بیش از ۶۰ درصد از مزارع کشت خشخاش را نابود کرده و بسیاری از کارگاه های تولید مواد مخدر را نیز کشف و منهدم ساخته است اما گزارشگران بین الملل و از جمله سکرترجنرال سازمان ملل متحد بر این باورند که دولت کرزی در زمینه مبارزه با مواد مخدر عملکرد چندان موفقی نداشته. تحلیلگران افزون بر این اعتقاد دارند که توسعه کشت و قاچاق مواد مخدر، به همان میزان رشد باعث رکود دولت کرزی و عدم توسعه یافتگی، ثبات و آرامش در افغانستان می شود. به این دلیل می توان وجود تولید و قاچاق مواد مخدر را با توسعه نیافتگی و عدم ثبات در افغانستان هم ارز دانست. با این همه و به رغم دشواری های کنونی، نه تنها شهروندان کشور مابله اروپایی ها و آمریکایی ها هم روند بعد از سقوط طالبان را بی بازگشت می دانند. در این صورت اگرچه از ضعف های مدیران دولت کابل انتقاد می شود و رکود در اصلاحات سیاسی و بازسازی به بی لیاقتی دولت و کابینه نسبت داده می شود اما در همان حال هم بر بقا و ادامه حیات دولت حاضر تاکید می شود. همچنان حامد کرزی از نیروهای بین المللی تحت رهبری آمریکا خواسته است در رویکرد خود برای شکست دادن تروریسم تجدید نظر کنند. کرزی گفت دولت او نیز باید این مسئله را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد. خشونت های روزافزون که به طالبان نسبت داده می شود جان هزاران هزار نفر را گرفته است که از سال ۲۰۰۱ تاکنون بی سابقه است. رئیس جمهور گفت باید بر «منابع تروریسم» که افراط گرایان در آنها آموزش می بینند و از آنها الهام می گیرند تمرکز شود. تعبیر بسیاری از افغان ها از این «منابع» همان کشور همسایه، پاکستان است که پیکارجویان اغلب حملات خود را از آنجا ترتیب می دهند. کرزی خاطر نشان کرد که اظهارات او در زمینه «منابع تروریسم» اشاره ای به پاکستان است. وی همچنین گفت که آرزو داشت جامعه بین المللی طی سه سال و نیم گذشته کمک های مالی بیشتری برای بازسازی افغانستان اعطا می کرد. کرزی گفت او به خاطر کمک هایی که کشورش دریافت کرده سپاسگزار است، اما افزود امکان صرف بهتر این کمک ها وجود داشت. از طرف دیگر برنامه خلع سلاح و ملکی سازی در کشور یکی از همان دسته مسایلی است که با وجود مساعی برخی از کشور ها بعد از گذشت مدت چهارسال نه تنها نافرجام باقی مانده، بلکه به همه ابعاد و جهات آن رسیدگی لازم صورت نگرفته است. همانگونه که برخی از منابع

بین المللی تصریح میدارند، پروسه کنونی دی.دی.آر به دلایل فراوانی، عرصه دشوار و جنجال آفرینی را در آینده، برای کشور به وجود خواهد آورد. با وجود آنکه مراجع مربوط دولتی به یاری کشور های کمک کننده و برنامه توسعه سازمان ملل متحد، کار های معینی را انجام داده اند، اما این امر همه گروه های تفنگدار مسلح را شامل نشده ازیکسو بی امنیتی در کشور کاهش نیافته ازسوی دیگر، برنامه ملکی سازی و جمع آوری سلاح، با کند یهای فراوان و مقطعی روبرو گردیده است. امنیت یکی از همان اصطلاحات و اسمای بی مسامی است که از زبان مسوولین دولتی و تریبیونها و بلند گوها در داخل و خارج کشور به مود روز و مود سال بدل گردیده، اما واقعیت خلاف آن است که می بینیم، می شنویم و احساس میکنیم. تعدد و تداوم اختطاف ها، سرقت ها، قتلها، انفجارات و انواع بی امنی ها در کشور واقعیت تلخی است که به اوج آن رسیده است.

آری! ادامه خشونت علیه زنان، حوادث بیشمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح، افزایش بی سابقه خود کشی و خود سوزی زنان، تهدید فامیلها تا دختران خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس ناامنی زنان در کار بیرون از خانه، ممنوعیت ظاهر شدن آواز خوانان زن در رادیو و تلویزیون، افزایش زنان و بیوههایی که چاره ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند و... سرقت منازل، دکانها و دفاتر، اخذ غیر قانونی مالیه و گمرک، حیف و میل سرمایه های ملی، بیداد فساد مالی، رشوه ستانی و بیکاری، خورد و برد و حیف و میل قسمت اعظم کمک های خارجی به وسیله وزارتخانه ها و دیگر ارگان های دولتی و کند بودن شرم آور بازسازی مجدد، تولید و تجارت بی سابقه هیروئین که افغانستان را مجدداً در صدر لیست کشورهای تولید کننده هیروئین قرار داده است، مشت نمونه خروار از موجودیت تفنگ بالای سر مردم ما حکایه می نماید. بناءً ایجاب می نماید تا برنامه عملی دولت بر مبنای خواستهای مردم جنگ زده کشور ما در مبارزه با تروریسم و تفنگ سالاران دگرگون شود و دولت با قاطعیت در برابر همه انانی که به بی نظمی و ایجاد وحشت در بین مردم ما می پردازند، به مبارزه جدی پرداخته و به سازش و معامله تن در ندهد. مردم به این عقیده اند که شرایط امنیتی باید بازنگری جدی گردیده و حس بی اعتمادی که بر مردم نسبت و خامت اوضاع مستولی گردیده است، مرفوع گردد. زیرا بیش از چهار سال است که بیش از ۲۵۰۰۰ سرباز آمریکا و متحدینش در افغانستان حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت در کشور سراغ نداریم. با تلخی فراوانی باید یاد آور شد که ایجاب مینمود تا پس از سقوط طالبان، بدون درنگ به جمع آوری اسلحه اقدام میگردد، اما نه تنها اقدامی نشد بلکه دست تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چور و چپاول با زگذاشته شد. درست است که پروسه خلع سلاح در افغانستان، آغاز شد و امیدواریهای رادر میان مردم پدید آورد مردمی که طی بیشتر از یک دهه در حاکمیت تفنگ هزاران قربانی دادند و کشور خود را نمایشگاه عظیم انواع سلاح های سبک و سنگین می دیدند، درین آرزو بودند که روزی سایه سیاه تفنگ را بر بالای سرشان ندیده و این حاکمیت ننگین را برای ابد به گورستان تاریخ دفن نمایند. دولت پروسه بنا م جمع آوری سلاح را روی دست گرفت که میلیون ها دالر را به باد فنا داد، ولی در ظاهر ارقامی ارایه می گردد که امیدواری های کاذبی را به مردم نوید میدهد. اما کشتن، بستن، بردن، اختطاف، زورگویی، قاقچاق، وحشت، بربریت، جنگ های ذات البینی و مردم آزاری با گذشت هر روز وسعت بی سابقه پیدا می نماید. مردم با انتخاب نمایندگان توقع داشتند که این همه فساد و تباهی از کشور ریشه کن و عاملین آن مورد بازپرس و محاکمه قرار گیرد. اما با گذشت هر روز ثابت میشود که چنین چیزی امکان نخواهد داشت.

در روز آغازین پارلمان خانم ملا لی (جویا) نماینده منتخب ولایت فراه طی بیانیه ای حرفهای خیلی تند اما شجاعت مندانه را مطرح نمود، اگرچه مخالفین ده ها نام و وابستگی های سیاسی را به او نسبت دادند ولی برای یک لحظه بپذیریم که این همه اتهامات که به وی نسبت داده میشود دقیق و حقیقت است. اما مردم افغانستان درین مقطع زمانی آرزو دارند تا حقیقت و درد های ناگفته و سخنان ناشگفته قلبی شان را بشنوند و چه فرق میکند که این حقیقت را که، در کجا و چگونه بیان میدارند؟! اکنون همه توقع ها و آرزو مندی ها اینست که چهره های خائنین و جنایتکاران معرفی و افشاء گردد. زمانیکه ملالی جویا چنین درد مردمش را بی باکانه، شجاعت مندانه و با قبول انواع خطرات که میداند او را تهدید میکند، بیان مینماید یقیناً اتهامات عقده مندانه و کینه جویانه ی مخالفینش پیش از این هم نمی آرزد. ملالی جویا در روزهای نخست شکل گیری پارلمان گفته بود که: ... نخست از همه می خواهم اعتماد بزرگ مردم به آن عده از وکلای ایکه با رای راستین مردم و به امید خدمت به آنان اینجا آمده اند را تبریک گفته و به خاطر حضور نامیمون عده ای از جنگساران، هیروئین سالاران و جنایتکاران در جمع نمایندگان مردم آنهم در محل تمثیل اراده مردم یعنی پارلمان به مردم کشور تسلیت عرض نمایم. به عنوان یک زن افغان افتخار دارم که مردم بدون این که کوچکترین منفعت مادی را از من انتظار داشته باشند، بدون این که مسایل تنظیمی، سمتی، لسانی، جنسی، مذهبی و غیره در بین باشد، بدون این که پوستر های تبلیغاتی چندین متره داشته باشم و یا عده های عوام فریبانه داده باشم، مرا به صفت نماینده شان به این جا فرستاده اند تا درد شان را فریاد و از منافع شان دفاع کنم ... می خواهم با صراحت و صاف و پوست کنده بگویم که من در این جا نه به خاطر پلو خوری آمده ام و نه هم هیچگونه امتیاز و مدالی خواهد توانست چشمانم را کور و زبانم را لال کند. من اگر فکر کنم یک لحظه از زندگی ام به خاطر اندیشیدن به مردم سوگواریم صرف نمی شود و هر گامم به خاطر بهروزی آنان و آزادی شان نیست زندگی ام بیهوده بوده و چی بماند به زندگی

پارلمانی و امتیازاتش. از مردم انتظار دارم اگر خلاف آن چیزهایی که وعده داده‌ام در گفتگوهای طولانی و خسته کن غرق دسته بازی‌ها و خیانت‌ها از طریق قانونیت بخشیدن به خیانت باشم فوری از من سلب اعتماد کنند. ولی این صداقت را دارم که به هموطنانم وعده دهم که اگر نتوانم ماهیت این خاینان وطن و تداوم خیانت را در چهارچوب پارلمان به مردم آفتابی بسازم امیدوارم اولین فرد باشم که استعفا بدهم. اما با استناد به سخنان جويا ميبينيم که چه زود بند هاي پنهاني و چه بخوربزنهاي علني و محرمانه در پارلمان جريان دارد که خط سرخ و چلپاي بزرگي ، راه پارلمان را از جاده خدمت به مردم افغانستان فرسنگ‌ها فاصله داده است.

ملالی جويا همچنان ميگويد : ... بعد از واژگونی طالبان عده‌ای تصور می‌کردند که ممکن است طناب‌های اسارت که قرن‌ها دست و پا و چشم و گوش و ذهن مردم ما را به بند کشیده بود، گسسته شوند ولی با به قدرت رسانیدن مجدد سلاطین هیروئین، وطنفروشان مذهبی و غیرمذهبی، و جنایت سالاران ... که عاملین اصلی خیانت به استقلال و دموکراسی در کشور بوده اند خود را به طور پیهیم زیر شمشیر داموکلس احساس می‌کنند که هر لحظه ممکن است بر گلوی شان فرود آید. منظور من ازین حرف‌ها نه جريان حمله مسلحانه بر منزل است و نه هم می‌خواهم به مجلس یکی از همین جنایتکاران اشاره داشته باشم که گفته بود: «در صورتی که ملالی جويا حرف‌های گذشته‌اش را تکرار کرد او را از کلکین پارلمان به پایین می‌اندازیم.» منظور من دفاع از رحیمه‌های نوجوانیست که مورد تجاوز اوباشان تفنگسالار قرار گرفتند، منظور من به محکمه کشاندن قاتلان آمنه‌ها در بدخشان است که او را وحشیانه سنگسار نمودند، منظور من از محاکمه قاتلانی چون جیحون است که به خارج کشور فرستاده میشوند، منظور من دفاع از نادیه انجمن هاست که می‌توانست باعث افتخار کشور ما باشد، منظور من بازخواست از قاتلان داکتر عبدالرحمن‌ها، سرکوبگران تظاهرات محصلان و اعتراضات سرتاسری مردم ماست که با آسوده خیالی و تبختر و دبدب به در کابل حکومت می‌کنند. با الهام از خشم و نفرت بیکران و آگاهی بیسابقه مردم ماتمدار ما می‌خواهم به تمام جانیان و خاینان مذکور بفهمانم که افغانستان سرزمین مردم فقیر اما آزادیخواه است که دیگر هرگز اجازه نخواهند داد فاشیست‌های دین فروش تا آخر بر آن سایه افکنند. من با استفاده از همین فرصت و مکررا در برابر مردم داغ‌دیده‌ام تعهد می‌سپارم زخم‌های جسمی و روحی عظیم شانرا لحظه‌ای از یاد نبرم و با حرکت از همین امر از وکلای شرافتمند و باوجدان، که در خیانت‌ها و جنایات ۲۵ سال اخیر در کشور ما دست نداشته اند تقاضا می‌کنم که برای خدمت صادقانه به مردم و وطن خود تجسم یک صف متحد بر ضد مسببان بربادی کشور و قتل و آوارگی مردم ما بوده، دین تاریخی و ملی خود را با افشا و طرد خاینان رنگارنگ با روکش دموکراتیک و یا روکش دین و مذهب و قوم و زبان انجام دهیم. در غیر آن با نشستن خنثی و یا لفاظی‌های میان‌تهی و پوک معنی نخواهد داشت جز خاک زدن به چشم مردم، رنگ و لعاب به دموکراسی کاذب و پشت کردن به وعده‌هاییست که بر رای دهندگان خود داده‌ایم. همچنان حقایق گویی‌های رمضان بشردوست در ارایه نظرات روشن ... از وی يك چهره منتقد به تمام معنی ساخته است. بشردوست بی پروا و با جسارت تمام به تمامی افراد بدون در نظر گرفتن موقعیت و شخصیت و مسولیت شان تاخته آنان را به تخطی‌های مختلف متهم می‌سازد. هر چند هنوز شاکي خصوصي که بشردوست را به دلیل اتهام‌های وی به دادگاه بکشد پا به میدان نگذاشته است اما دولت هم تلاش کرده است که در مقابل این رفتار منتقدانه بشردوست خویشتن داری نشان داده و صیروشکیبایی پیشه نموده است. سخنان اخیر بشردوست از آند سته از اتهام‌هایی است که گریبانگیر وی خواهد شد. ... رمضان بشردوست نماینده مردم کابل در پارلمان برخی از نمایندگان این نهاد را به فساد متهم کرد. وی در نشست خبری افزود: متأسفانه فساد و اخذ رشوه به نمایندگان مجلس هم سرایت کرده است.

بشردوست مدعی شد که:

اسناد زیادی وجود دارد که فساد راه خود را به ساختمان پارلمان گشوده است.

وی خواهان برخورد جدی با این پدیده شد و گفت: اکنون خانه ملت نیاز به پاکسازی دارد.

بشردوست از نمایندگان منتقد مردم است که در فرانسه تحصیل کرد و به دلیل ساده‌زیستی از محبوبیت زیادی در میان مردم برخوردار است. وی در حکومت انتقالی کرزی به عنوان وزیر پلان فعالیت داشت. زمانی که رییس جمهوری از تصمیم وی در منحل کردن نزدیک به دو هزار نهاد غیردولتی حمایت نکرد، استعفا داد. بشردوست در انتخابات مجلس بعد از محمد محقق رهبر حزب وحدت و یونس قانونی رییس پارلمان کنونی توانست مقام سوم را در کسب آرا بدست آورد. رمضان بشردوست از پیشنهاد جدید کمیسیون امتیازات و مصئونیت وکلای ولسی جرگه ابراز نگرانی نمود و این پیشنهاد را وسیله فراهم آوری زمینه قاچاق مواد مخدر خواند. بشردوست، گفت که در پیشنهاد مذکور برای موتور و کلا نمبر پلیت خاص خواسته شده که پولیس توان توقف آنرا نخواهد داشت. وی افزود: این بهترین وسیله برای قاچاق مواد مخدر می‌باشد. بشردوست وکیل منتخب مردم کابل در ولسی جرگه، که به تاریخ اول اسد در تالار کنفرانس‌های ولسی جرگه سخنرانی می‌کرد خاکه این پیشنهاد را فقط به نفع وکلا خواند. قرار معلومات موصوف در این پیشنهاد به وکلا و خانواده‌های آنان توزیع پاسپورت‌های سیاسی، توزیع یک پایه مخابره، یک کارت مخصوص VIP ماهانه ۶۷۵۰۰ افغانی پول دستر خوان، ۳۰ هزار افغانی ماهانه کرایه خانه، معاش ماهوار مطابق قانون، ماهانه ۱۲ هزار افغانی برای تیل و روغنیا موتو و ... تقاضا شده است. وی همچنان ۲۵ هزار افغانی را

که به عنوان سفرخروج برای دوره رخصتی به هر وکیل و سناتور داده شده بود، مورد انتقاد قرارداد. قرار معلومات موصوف جمله این پول هشت میلیون و هفت صد و هشتاد و پنج هزار افغانی است و در حالیکه شماری از وکلای ولایات دوره رخصتی را در کابل و یا بیرون از کشور به سر رسانده است. رمضان بشردوست از جمله وکلای است که اکثراً بر فعالیت های ولسی جرگه و حکومت انتقاد می کند. شماری از تحلیلگران عملی شدن این پیشنهاد را زمینه ایجاد فاصله بین مردم و نماینده گان خواند. طی این مدت که از حیات ولسی جرگه سپری گردیده با تأسف بی پایان بدون از منافع شخصی کاری بزرگ به وطن و مردم وطن انجام نگرفته است.

هر وکیل ماهانه یک هزار و دویست دلار آمریکایی حقوق، ماهانه ۶۷۵۰۰ افغانی پول دستر خوان، ماهانه ۳۰ هزار افغانی کرایه خانه، ماهانه ۱۲ هزار افغانی برای تیل و روغنیا موتو و ... به علاوه ۲۵ هزار افغانی را که به عنوان سفرخروج برای دوره رخصتی به هر وکیل و سناتور داده شده بود. شما قضاوت فرمایید این همه پول از کدام طریق تهیه و به وکلای که تعداد آنان از چوروچپاول وطن میلیونها افغانی سرمایه دارند، پرداخته شود در وطنی که همه چیز آن به تاراج رفته است و از جانب دیگر کشوری به بازسازی و تعمیر مجدد شدیداً نیاز دارد. زمانیکه وکلا باموتوهای آخرین مودل بطرف محل وظیفه شان رهسپار است آیاروزی شده که به اطراف واکناف خویش چون:

کوته سنگی، چوک ده بوری، پل سرخ و سوخته، کارته سه و چهار، دهمرنگ، باغ وحش، چهلستون، دارلمان که محل وظیفه مقدس آنان است، جاده میوند، کوچه های خرابات، بارانه و سنگ تراشی، پل محمود خان، چمن، ششدرک، مکروریانها ... نظر بیاندازند و به این فکر کنند که عاملین اینهمه ویرانی و بربادی را مورد سرزنش و بازخواست قرار بدهند؟ و یا اینکه هزاران هزارگرسنه و بیکار در چهارراهی ها و چوک ها منتظر یک ساعت کاری که از مزد آن بتوانند اطفالش را در روز برای یکبار غذا بدهد و یا هزاران هزار اطفال یتیم، زنان بیوه، خانواده های بی سرپرست و بازماندگان شهدا که دست به گدایی و اقدام به تن فروشی مینمایند، و یا کارمندان پائین رتبه دولتی که از طلوع تا غروب آفتاب به حقوق ماهانه سی تا چهل دلار فرمایش را سرپرستی مینمایند و یا دست فروشان که در زیر آفتاب سوزان و سردی زمستان بخاطر پنج یا ده افغانی فریادی ببرید و بخیرید را سرمی دهند به چشم می بینند و به گوش می شنوند که فیصله های به نفع این ستم دیده گان صورت گیرد. از جانب دیگر این نمایندگان روزگزاران ملت باید برای دفاع از حقوق برباد رفته مردم - دولت، کابینه، مقامات مسوول و ادارات امنیتی را بخاطری توجه ای مورد بازخواست و بازپرس قرار بدهند، آنان میدانند اگر به چنین کاری اقدام نمایند در آن صورت دولت حاضر نمیشود که این همه سهولت را به ایشان مهیا سازد. نمایندگان باید بدانند که کشور نیازهای عاجل و فوری بخاطر خشکسالی، اوضاع وخیم امنیتی، مداخله و دست اندازی کشورهای دور و نزدیک، گرسنگی و پریشانی مردم، چوروچپاول داریی عامه از قبیل رشوت، اختلاس، دزدی، رهنی، قاچاق معادن زمره و لاجورد، قاچاق مواد مخدره، زورگویی و بی بند وباری تفتگذاران و جنگ سالاران، بمباردمان کورکورانه و خودسرانه نیروهای خارجی، شهید و معلولیت ده ها

افغان در کشور ... دارد که نباید وقت را از دست داد و اقدامات عاجلانه صورت گیرد. از طرف دیگر افغانستان کشیده گی های بزرگ چون مساله خط دیورند، موجودیت سربازان خارجی که تا چه مدت در افغانستان حضور خواهند داشت، قراردادها و پیمانهای بین المللی که ضرورت به بازبینی و تائید نمایندگان دارد، جلب توجه جامعه بین المللی برای اعمار و بازسازی مجدد کشور، بازپرس میلیاردها دالری که طی این چهار و نیم سال به کشور سرازیر و به کجا مصرف گردیده است و ده ها مسایل دیگر ... سوال اینجاست اگر پارلمان خانه ی مردم و مدافع حقوق آن ها است چرا نمایندگان یک پارچه از حقوق مردم دفاع نکرده و هر یک ساز سیاسی و قومی خود را می زنند و مردم را قربانی اغراض شخصی شان می کنند و دولت بابتی کفایتی و کابینه با بی کاره گی و نیرو های جنگ افروز را که با کشتن و انفجار دادن زندگی را به مردم وطن به جهنم تبدیل نموده اند و پشتیبانه های خارجی آنان را، وسیله نیروهای خارجی که توان نابودی و انحلال آنان را دارند ولی حاضر نیستند که چنین ریسک نمایند مورد بازخواست جدی قرار نمی دهند؟ عملکرد دولت و هماهنگی پارلمان و قوه ی قضائیه در مورد عدم خدمتگذاری به مردم و تلاش پارلمان بخاطر بدست آوردن امتیازات گوناگون از دولت و خارجی ها و روزگزارانی های بی هدف و بی مورد همه را از این نهاد بی کفایت ناامید و دل زده ساخته است. در روزهای نخستین که افراد جنگجو و شرارت پیشه در اس پارلمان به اساس زدوبندهای عقب پرده قرار گرفت همه امید ها را به یاس و همه آرزوهارا به نابودی سوق داد. عملکرد پارلمان به هیچ وجه با منافع ملی مطابقت ندارد بلکه بر عکس تأمین کننده ی منافع نیرو های خارجی در افغانستان است و این ثابت می سازد که نظام حاکم با تمام اجزایش وابسته و به آمریکا و غرب است. عملکرد مسوولین پارلمان این نظر یه را ثابت ساخت که اگر آنها وابسته و هماهنگ با منافع بیگانه ها نمی بودند هرگز نمی توانستند به پارلمان راه پیدا کنند. با این حساب و محاسبه جای دارد که جنازه پارلمان را از دارلمان برداشته بعد از نماز جنازه در میدان زور آزمایی جنگ سالاران به محل اشک و آهی مردم مظلوم و ستم دیده افغانستان ب خاک سپرد. حضرت مجددی رییس مجلس سنا هشدار داد اگر دولت تا دو ماه آینده "اصلاحات اساسی" در نظام کنونی وارد نکند، او از مقامش کناره گیری خواهد کرد. مجددی نسبت به آنچه "انتصاب افراد نامطلوب در پستهای کلیدی" و "گسترش فساد اداری" در کشوری خواند، انتقاد دارد. او همچنین می گوید که دولت با کاستی های زیادی رو بروست و حامد کرزی، به پیشنهاد های او

مبنی بر اصلاحات در نظام کنونی عمل نکرده است. رییس مجلس سنای، با برگزاری یک کنفرانس خبری، ضمن تهدید به استعفا، گفت که به نشانه اعتراض، از این پس دیگر در جلسات این مجلس شرکت نخواهد کرد.

صبغت الله مجددی گفت افراد نامطلوب در پستهای کلیدی دولت انتصاب شده اند و این سبب افزایش مشکلات و گسترش فساد اداری در درون دولت شده است. او همچنین از عملکرد لوی تارنوال نیز انتقاد کرد و گفت که عبدالجبار ثابت، " بدون بررسی" دست به مجازات افراد می زند. مجددی از تصمیم به برکناری جنرال امین الله امرخیل، قوماندان پولیس فرودگاه کابل نیز انتقاد کرد. وزارت داخله اعلام کرده است که این قوماندان، به درخواست لوی تارنوالی، از وظایف خود معلق شده است. قوماندان امرخیل که تاکنون از کشف چندین مورد قاچاق مواد مخدر در فرودگاه کابل خبر داده، می گوید در صورتی که از کار برکنار شود، به زودی دست به افشاگری خواهد زد. رییس سنا که مسولیت کمیسیون تحکیم صلح در افغانستان را نیز بر عهده دارد در کنفرانس خبری خود همچنین از آزادی شانزده تن از افغانها از زندان آمریکایی گوانتانامو خبر داد.

این افراد پنج سال پیش از ولایت‌های خوست، پکتیا، پکتیکا، کنر، بامیان و ننگرهار دستگیر شدند و به بازداشتگاه گوانتانامو منتقل شده بودند. کمیسیون تحت ریاست مجددی می گوید که در یک و نیم سال گذشته حدود ۲۳۰۰ تن که گفته می شود از ناراضیان دولت با همکاری این کمیسیون، به دولت پیوسته اند. بر اساس آمار ارایه شده از سوی کمیسیون تحکیم صلح تا کنون ۴۹۵ تن از زندانهای بگرام و گوانتانامو آزاد شده اند. از جانب دیگر تا هنوز اتهامات علیه جنرال امرخیل روشن نشده و لوی تارنوالی نیز در این مورد واکنش رسمی نشان نداده است. فرودگاه کابل هم اکنون به گفته مقامات امنیتی این فرودگاه، راه عمده ای برای تجارت و انتقال مواد مخدر به خارج از افغانستان پنداشته می شود. پولیس این فرودگاه تا حالا ده ها نفر را که شماری از شهروندان خارجی نیز در این میان شامل هستند، به اتهام قاچاق مواد مخدر بازداشت کرده است.

جنرال امین الله امرخیل، قوماندان سابق پولیس این فرودگاه چندین بار مقامات ارشد دولت را به همکاری با آنچه شبکه بزرگ مافیایی تجارت مواد مخدر می خواند، متهم کرده بود. جنرال امرخیل در گفته‌های خود بدون نام بردن از افراد مشخصی بارها تاکید کرده بود که همکاری این مقامات با تاجران مواد مخدر، سبب شده افرادی که به اتهام انتقال مواد مخدر در فرودگاه کابل بازداشت می شوند، دوباره آزاد شوند. از طرف دیگر عدم رفتن وزیر داخله به کمیسیون سمع شکایات مشرانو جرگه قهر اعضای این کمیسیون را برانگیخت. کمیسیون شکایات ولسی جرگه بنا بر شکایات تعدادی از مردم از ولایات مختلف، بتاريخ ۱۹ میزان از وزیر داخله خواسته بود تا به این کمیسیون حاضر و به سوالات اعضای آن پاسخ دهد. اما ضرار احمد مقبل وزیر داخله، پاسوال سخی احمد بایانی رئیس اداری وزارت مذکور را به کمیسیون فرستاد که این کار باعث اعتراض اعضای کمیسیون گردید. زلمی رئیس کمیسیون مذکور، خطاب به رئیس اداری وزارت داخله گفت که این چندین بار است که وزیر داخله خواسته میشود، اما نمایاننده و به عوض کسی را میفرستد که نمیتواند به همه سوالات و مشکلات مردم پاسخ دهد. وی افزود: شما به خودخواهی دچار هستید و وقت ما و مردم را ضایع میکنید وزیر شخصیت های را روان میکند که از پاسخ گفتن به قضایا معذرت میخواهد. اما بایانی گفت که وزیر داخله بنا بر مصروفیت ها نتوانست در جلسه کمیسیون یاد شده، اشتراک نماید. ولی زلمی هوشدار داد که اگر باردیگر وزیر داخله حاضر نگردید، آنها این مسله را جدی گرفته و در مورد تصمیمی نهایی خواهند گرفت. دارالانشای ولسی جرگه لست آنده از وکلای را که غیابت داشتند اعلام نمود.

در این لست از حاجی امیر لالی نماینده ولایت کندهار، داد محمد نماینده ولایت هلمند، سید ظاهر سرور نماینده ولایت بلخ، مولوی شیخ احمد نماینده ولایت فاریاب، عبدالقیوم کرزی نماینده ولایت کندهار، حاجی عبدالله نماینده ولایت بادغیس، حاجی پاینده محمد نماینده ولایت سرپل، حاجی عبدالوهاب و فیض الله ذکی نماینده گان ولایت جوزجان، محمد سنگین توکلزی نماینده ولایت کابل، ملا ملنگ نماینده ولایت بادغیس، ملالی اسحاق زی نماینده ولایت کندهار، ولی جان صابری نماینده ولایت هلمند، احمد جان نماینده ولایت فاریاب، حضرت علی نماینده ولایت ننگرهار، خالد پشتون نماینده ولایت کندهار، خالد فاروقی نماینده ولایت پکتیکا، طاهره میرزاد نماینده ولایت کاپیسا، فتح الله قیصاری نماینده ولایت فاریاب و هلال الدین هلال نماینده ولایت بغلان به عنوان وکلای یاد آوری شده است، که در جریان یک هفته اخیر غیابت مکرر داشته و در تصمیم گیری ها بدون استیذان هیات اداری ولسی جرگه اشتراک نکرده اند.

چندی قبل به خاطر اعتراض شماری از نمایندهگان مجلس شورای ملی نسبت به عملکرد حکومت، روند کاری این مجلس دچار اختلال شد و فضای آشفته و ملتهبی در ولسی جرگه به وجود آمد. این اعتراضات ظاهراً به دلیل آنچه که بی توجهی حکومت نسبت به بافت قومی کشور و نادیده گرفتن ویژهگی‌های ساختاری جامعه نامیده شده، بروز کرد و در آغاز بیش از ۳۰ تن از وکلای از بیک زبان از مجلس خارج شدند و در دفعات بعدی، شمار بیشتری از وکلای مجلس با آنها همدلی و هموایی کرده و مجلس را از نصاب انداختند. آنچه که فضای مجلس شورای ملی را تیره و ناراحت کننده ساخته بود، کلمات و نسبت‌های زنده‌ای بود که میان برخی از نمایندهگان ردوبدل می‌شد و سنگینی و متانت مجلس شورای ملی را به عنوان خانه ملت و نماد فرهنگ و فکر و شخصیت متبازر ملی زیر سوال می‌برد، اختلاف و برخورد آرا و افکار از لازمه طبیعی مجالس و شوراهای درجهان است، گروه‌های پارلمانی در همه جای دنیا دست به

اعتراض و انتقاد و شکایت می‌زنند و گاه با ناراحتی پارلمان را موقتاً ترک می‌کنند، اما هیچ‌گاه از دایره منطق و استدلال خارج نمی‌شوند و یا ادب، فرهنگ، اخلاق و انصاف را فرو نمی‌نهند، وضعیت کنونی کشور بسیار شکننده و آسیب‌پذیر است.

آنچه که این وضعیت را خراب‌تر می‌سازد، فرورفتن نهادهای دولتی در کشاکش‌های قومی و زبانی و برجسته کردن آنهاست، بهتر است که هم حکومت و هم پارلمان، معیارهای شایسته‌سالاری و ارزشهای علم و کمال و توانایی و لیاقت را در نظر بگیرند و از توطئه‌های درمسیلی که چالش‌زا و گمراه‌کننده است، اجتناب کنند. البته در جریان اختلافات و ناراحتی‌هایی که در پارلمان بروز کرد، نمونه‌های خوب و امیدبخشی هم مشاهده شد که میتواند محور تفاهم و همدلی ملی در کشور قرار بگیرد و آن، موضع‌گیری مشترک شمار زیادی از وکلای ولسی جرگه از تمام گروه‌های قومی و سیاسی و گردآمدن حول محور ارزشها و اصول مشترک ملی بود. مجلس شورای ملی می‌تواند با تقویت و توسعه این چنین حرکت‌های مفید و سازنده، راه روشن و درستی را فرا راه ملت و حکومت باز کند و به عنوان نماد وحدت ملی در کشور تبارز نماید.

همچنان یکی از مسایل زبانه‌زد بحث‌های است پیرامون معاشات وکلای شورای ملی. درین میان دیدگاهها، و طرز تلقی‌های ضد و نقیض بسیاری حتی در میان وکلای ولسی جرگه نیز به عمل آمد که از جهاتی قابل تأمل به نظر میرسد. برخی از وکلا این معاشات را اندک و غیر مکفی می‌شمارند با این استدلال که آنها مکلف به مهمانداری از موکلین شان اند، شماری دیگر این معاشات را در مقایسه با معاشات کارکنان دولت گزاف و بالاتر از توان بودجه دولتی به شمار آوردند.

اما مردم بیشتر به این امر می‌اندیشند که چگونه منسوبین وزارت مالیه که همواره در پرداخت معاشات نخور و بمیر ماموران و معلمان دلایل مختلف را مطرح می‌سازند، و تاکنون درین مورد از ابراز نظر و مشکل‌تراشی به دلایل معلوم خود داری ورزیده‌اند. یک نکته قابل یاد کرد است که، میراث نا برابر معاشات دالری که طی سالهای اخیر از سوی مراجع معین رسماً پرداخته شده، فرصتی بود که این رسم نا برابر یک بام و دو هوا رامیان کارکنان فرودست و عاملان فرا دست به میان آورد. از سوی دیگر مشاور سازی و استخدام بیش از اندازه (ظرفیت) مشاوران داخلی و خارجی در وزارتخانه‌ها با معاشات چند صد و چند هزار دالری، دار و ندار کشور و بودجه کمک‌های به اصطلاح بادآورده را با چالشی روبرو ساخته است. درین مورد نیز وزارت مالیه مهر سکوت را از لب برنمیدارد. زیرا این توجیه را پیش میکشد که این پولها به بودجه دولتی ربطی ندارد.

اما آنچه بیش از همه وحشتناک و ظالمانه و مانند کارد به استخوان ملت ساییده میشود، معاشات چند و چندین هزار دالری مسوولین حکومت و مشاورین وزرا نیست، بلکه بلند بردن مالیات بخصوص مالیات خانه و زمین در کابل است که تا (چهار صد و پنجاه فیصد) بالابرده شده است. تا مگر بتواند بودجه خود را تکمیل کند، بدون توجه به اینکه بدانند که آیا مردم میتوانند از خانه‌های جنگ‌زده و زمین‌های محل سکونت خویش در یکسال چنین یک مالیه گزاف را که خود ساخته و پرداخته‌اند، بپردازند. در حالیکه باید مالیات نباید از حدود مشروعیت آن تجاوز کند و به صورت ظالمانه درآید. با همه این گفته‌ها، پرسش اینست که آیا حکومت با گرفتن و قانونی ساختن چنین مالیاتی میتواند از عهده پرداخت معاشات بلند دالری برآید یا خیر؟ اگر پاسخ منفی باشد، جای تأسف است، زیرا عامه مردم با معاشات اندک خود چگونه این مالیه پنجاه فیصدی تثبیت شده از سوی حکومت را پاسخگو باشند؟

ده هزار دالر و دو محافظ به هر وکیل شورای ملی داده میشود.

دولت متعهد گردیده تا جهت خریداری وسیله نقلیه به هر وکیل شورای ملی ده هزار دالر امریکایی و جهت تأمین امنیت آنان دو محافظ بدهد. به اساس اظهارات یونس قانونی، این مبلغ در جریان پنجسال از معاش وکلا کسر خواهد شد. چندی قبل اعضای شورای ملی گزارشی هیئت اجرایی ولسی جرگه را مورد بحث قرار دادند. در گزارش این هیئت که توسط قانونی خوانده شد، آمده است که جهت تأمین امنیت بهتر جان وکلا، با نماینده گان وزارت داخله ریاست عمومی امنیت ملی و نیروهای ناتو بحث صورت گرفته و این نهاد های امنیتی اعلام آماده گی در جهت تأمین امنیت مطمئن کرده اند.

در این گزارش همچنان آمده است که برای هر وکیل در ساختمان ریاست پنجم امنیت ملی که در دو کیلو متری ساختمان شورای ملی موقعیت دارد، یک اتاق مجهز به وسایل ارتباطی مانند کمپیوتر، داده خواهد شد. همچنان داکتر رمضان بشر دوست وکیل ولایت کابل در ولسی جرگه میگوید عده بی از وکلا در ولسی جرگه معاش کنونی را برای خود ناکافی میدانند و در صدد امتیازات بیشتر اند. در حال حاضر یک وکیل و یک سناتور پنجاه و پنج هزار افغانی معادل یک هزار و یکصد دالر معاش، منشیان هر دو مجلس هر کدام یک هزار و دوصد دالر معاونین هر دو مجلس هر کدام یک هزار و پنجصد دالر و روسا مجلسین شورای ملی هر کدام سه هزار دالر امریکایی معاش اخذ میدارند. داکتر بشر دوست گفت: عده بی از وکلا میگویند که این امتیازات برای ما کافی نیست اخیراً کمیسیون امتیازات و مصونیت ولسی جرگه در یکی از جلسات خود با در نظر داشت فیصله مشرانو جرگه فیصله نمودند که در امتیازات مادی وکلا تغییر بمیان آید می‌خواهند تا به شصت و هفت هزار

وینجصد افغانی تنها خرج دسترخوان برای آنها داده شود. سی هزار افغانی هم کرایه منزل - معاش ماهوار مطابق قانون، دوازده هزار افغانی برای روغنیات موتر و هفت هزار افغانی هم برای مصرف تیلیفون تقاضا دارند به این ترتیب وکلا دریکماه /۲۳۳۰/ دالر اخذ خواهند کرد. بشر دوست اضافه کرد که خواست وکلا تنها با این امتیازات خلاصه نمی یابد آنها تقاضا دارند تا وسایط شان پلیت های خاص داشته باشد، محافظ و راننده شان از کارت های مخصوص استفاده نماید. وی در این رابطه اسنادی را نیز با خود داشت. بشر دوست گفت در کشور که فقر بیداد میکند در کشور که بازمانده گان شهدا آن ماهوار /۴۰۰/ افغانی از دولت معاش بگیرند در کشور که مامورین دولت از /۲۵۰۰/ تا /۳۰۰۰/ افغانی معاش بگیرند مگر وکلا مردم - نمایندگان مردم که خود از نرخ و نوا و حالت زنده گی مردم خبر دارند و برای ورثه شهدا /۴۰۰/ افغانی را به عنوان معاش تخصیص دادند امتیازات بیشتر میخواهند و امتیاز کنونی را برای خود کافی نمیدانند. از بشر دوست سوال شد که آیا وزارت مالیه با این تقاضا وکلا موافقه خواهد کرد گفت، مقامات وزارت مالیه از ترس استیضاح شان با این خواست موافقه خواهند کرد و یگانگی کسی که در پارلمان با این طرح مقاومت خواهد کرد من خواهم بود. همچنین رمضان بشردوست، طی یک نشست خبری خواستار استعفای دولت و اعضای پارلمان شد. ی با تاکید بر اینکه پارلمان تبدیل به یک نهاد کاملا فاسد شده، از مردم خواست که با تجمع آرام و مسالمت آمیز مقابل پارلمان، خواستار استعفای وکلا شوند. وی وکلای پارلمان را متهم به چور و چپاول اموال بیت المال کرد و صلاحیت آنان را زیر سوال برد. قابل ذکر است که طی ۴۵ روز تعطیلی پارلمان، وکلا ۲۵ هزار افغانی به عنوان کمک هزینه سفر دریافت کرده بودند و همچنین ده هزار دالر آمریکایی نیز به عنوان قرضه. یکی از وکلای پارلمان که نخواست نامش فاش شود، اظهار داشت که جمعی از وکلا قصد دارند با تدارک نامه ای به رییس جمهور، دستور عفو ده هزار دالر را از کرزی بگیرند.

همچنین طی این ۴۵ روز بسیاری از وکلا که آنان می بایست به ولایات می رفتند و با مردم دیدار می داشتند، از کابل خارج نشده و یا به سفر های خارجی رفته اند. برخی از وکلا نیز بدلیل مشکلات امنیتی نتوانستند تا به ولایات بروند. از جانب دیگر عدم موجودیت مداوم عده ای از وکلا در پارلمان باعث میگردد تا نصاب لازم برای رای گیری تکمیل نگردد که این امر باعث تاخیر در اجراءات پارلمان میشود. غیر حاضری دوامدار عده ای از وکلا اسباب نا رضایتی در داخل پارلمان گردیده یکی از وکلا که نسبت به غیر حاضری دوامدار، عده ای از همکارانش شاکی است، داکتر رمضان بشر دوست است. او ضمن مصاحبه ی این نا رضایتی خود را اشکار ساخت و گفت عدم حضور بعضی از وکلای در مجلس نشان دهنده آنست که آنها تحمل این را ندارند تا وظیفه خود را که حل مشکلات در خانه مردم است به صورت درست انجام دهند. وکلای وجود دارند که صرف به امضا نمودن حاضری اکتفا می نمایند، داخل تالار مجلس نمیشوند یا در رستوران شورا بسر میبرند یا در دهلیزها اند و یاهم در اتاقهای مامورین. بشر دوست گفت:

پارلمان افغانستان یگانگی پارلمان در دنیا است که روزانه ۳ یا ۴ ساعت کار می نماید در حالیکه پارلمان ها در سایر کشورهای جهان روزانه قسمت اعظم روز و حتی کل روز را مصروف کار غرض خدمت بهتر به مردم شان می نمایند. بشر دوست اضافه داشت! که سردار محمد اوغلی منشی پارلمان قبلا گفته بود که لیست وکلای غیر حاضر را به مطبوعات خواهد داد اما فشارها باعث گردید که این لیست به مطبوعات داده نشود. قبلا در پارلمان اصول و وظایف داخلی مربوط به حضور و غیابت وکلا به تصویب رسید مگر خلاف اصول انرا به کمیسیون مصونیت و امتیازات پارلمان فرستادند تا نظر خود را ارائه دهند لیکن آنچه در جلسه عمومی قابل اجرا است نباید انرا به یک کمیسیون محول می نمودند. از طرف دیگر مردم در صحبت های شان با خبر نگاران مطرح مینمودند که آنها بخاطر حل مشکلات شان نماینده ها را انتخاب کردند و لی اکنون آنها در جلسات و لسی جرگه اشتراک نمیکند.

داکتر رمضان بشردوست وکیل مردم در پارلمان در گفتگوی اختصاصی با کابل پرس از چور و چپاول گسترده بیت المال مردم گرسنه افغانستان توسط وکلای پارلمان خبر داد. در این گفتگوی اختصاصی او فاش کرد که برخی از وکلای پارلمان بدنبال از دیات معاش خود از ۱۱۰۰ دالر به ۲۷۳۰ دالر می باشند. بشر دوست در این رابطه به سایت اینترنتی کابل پرس گفت: وکلا با موافقت کمیسیون مصونیت و امتیازات وکلا و مصونیت و امتیازات سناتوران تلاش دارند که معاش خود را از ۱۱۰۰ دالر به ۲۷۳۰ دالر افزایش دهند. در حالی که مردم انتظار داشتند پارلمان دوکان تجارت برخی از مقامات عالی رتبه را بسته کرده و مطابق قانون به چور و چپاول خاتمه دهند. اما اعضای پارلمان بجای این وظیفه مقدس، خودشان می خواهند شریک چور شوند و دهان جوال را بگیرند. هر چه بگنند نمکش می زنند، وای به روزی که بگنند نمک. امروز نمک گنبدیده است. اگر این نمک دور انداخته نشود افغانستان بسوی بزرگترین فاجعه بشری در حال حرکت است. بنابر این انحلال پارلمان افغانستان و استعفای حامد کرزی تنها راه حل بیرون رفت از بن بست موجود است.

اما مردم میگویند: شما نتایج و لسی جرگه را بررسی کنید هیچ دست آوردی ندارد یعنی و لسی جرگه یک هفته را رایگان از دست داده است. رحمانی اوغلی منشی و لسی جرگه با تأیید این مساله به خبر نگار آژانس باختر گفت که دقیقا ما در جریان هفته گذشته نسبت غیابت و عدم تکمیل نصاب روی مسایل مختلف تصمیم گرفته توانستیم. وی

بخاطر رفع این نواقص از تدابیر یاد آوری کرده گفت که منبهد غیابت و کلا هر روز اعلام میشود و در صورت غیابت مطابق شرایط حق الحضور از معاش آنها وضع میگردد. شهروند دیگر گفت ما باید یاد بگیریم و در آینده به حرف چرب و گرم کاندیدها فریب نخوریم خوب فکر کنیم و بعد رای بدهیم. همچنان در جلسه 25/5/1385 شورای ملی بخاطر جنجال آفرینی و خودنمایی تعدادی از وکلا به تنش و تعطیلی کشانده شد. دریک زدوبند پشت پرده که بین رئیس جمهور و رییس پارلمان توافق گردیده رییس جمهور دستور مصادره یک هفته نامه را صادر کرد. یونس قانونی رییس ولسی جرگه نتوانست خشم خود را پنهان کند و با تندی به سوال ملالی جویا وکیل ولایت فراه پاسخ داد. در جریان جلسه ملالی جویا که پس از مدت ها غیبت در پارلمان حضور یافته بود، از حنیف اتمر پرسید که در قبال اختلاس بیست و پنج میلیون دالری یونس قانونی در زمان وزارت معارف ایشان چه می کنید. پیش از پاسخ اتمر، یونس قانونی که این سوال را متوجه خودش دانست گفت که گمانم خانم جویا هفته نامه وطندار را خوانده است و این خبر دروغ در آنجا نشر شده است. و خوشبختانه رییس جمهور پس از چاپ این هفته نامه دستور مصادره آن را صادر کرده است. قابل یادآوری است که هفته نامه ذکر شده خبر اختلاس بیست و پنج میلیون دالری یونس قانونی را منتشر کرده بود. این هفته نامه ضمن انتشار این خبر در انتها آورده بود که این مطلب را یکی از مقام های ارشد دولتی نیز تایید کرد. لازم به ذکر است که اقدام رییس جمهور مبنی بر مصادره این روزنامه مخالف قانون رسانه ها و آزادی بیان می باشد و ایشان حق چنین کاری را نداشتند. اکنون بیم آن می رود تا قانونی یا هواداران ایشان از خشونت برابر روزنامه نگاران استفاده کنند.

رمضان بشردوست: برخی از مقامات دولتی معاشات و امتیازاتی دارند که موفق ترین تاجر افغانستان آن را ندارد. کرزی یا خبر ندارند که این خود عذر بدتر از گناه است و یا اینکه خبر دارند و خاک به چشم مردم می زنند. به عنوان مثال بر هیچ کس پوشیده نیست که مشاورینی از طرف شرکت لوفتانزا مسول بازسازی شرکت هوایی آریانا شدند. هر یک از این مشاوران از جمله "هنس" روزانه دو هزار دالر آمریکایی (ماهانه ۶۰ هزار دالر) معاش دریافت می کند و وزیر پیشین ترانسپورت نه تنها این مطلب را رد نکرد بلکه غیر مستقیم آن تایید نیز کرد. در همین رابطه توجه خوانندگان کابل پرس را به گزارش خانم فریبا نوا که از طرف موسسه دیده بان سازمان ها (کلیفرنیا) جلب می کنم. خانم نوا از طرف این موسسه به افغانستان آمده بود تا درباره ۱۰ شرکت خصوصی آمریکایی گزارش تهیه کند. در جریان تحقیقات کشف شد که هر مشاوره که از طرف دولت افغانستان استخدام می شود، در سال ۵۰۰ هزار دالر آمریکایی هزینه معاش، امنیت و امتیازات وی می شود. فریبا نوا در گزارش خود گفته است که یکی از مشاورین بلندیپایه حامد کرزی ماهانه ۲۰ هزار دالر آمریکایی از موسسه توسعه آمریکا USAID معاش می گرفته و ۲۰ هزار دالر دیگر از بانک جهانی. جالب این است که این موضوع را خانم نوا با مقامات ریاست جمهوری در میان گذاشت که آنان جواب مناسبی برای وی نداشتند. این مساله در مطبوعات هم انعکاس یافت از جمله در روزنامه آرمان ملی تاریخ ۱۳۸۵/۶/۱۵، عدم تکذیب ریاست جمهوری نشان دهنده ی واقعیت این خبر می باشد. همچنین لیست برخی مشاورین وزرا و برخی روسای ادارات مستقل دولتی را که ما منتشر کرده بودیم (هفته نامه چای داغ شماره دوم) نشان می دهد که مثلا انور الحق احدی رییس وقت بانک مرکزی از تاریخ ۲۰۰۴/۶/۱ تا ۲۰۰۴/۵/۳۱ مبلغ ۳۶ هزار دالر آمریکایی از او اس ای که یک کمپنی انگلیسی بنام کرننت اجنس است معاش گرفته است. در همین لیست از دفتر رییس جمهور ۳ نفر بنام خالق احمد، انجینر حسن و عزیزالله لودین هر کدام بین سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴، ۳۶ هزار دالر معاش گرفته اند. در مجموع طبق این سند رسمی سری ۴۷ نفر از مقامات عالی رتبه ۸۰۷۹۲۷۰۰ دالر آمریکایی از این کمپنی پول دریافت کرده اند. جدید ترین سند در این رابطه به عنوان گواهی چور و چپاول بیت المال و سرمایه دار شدن در دستگاه دولتی کرزی سند مورخ ۱۳۸۵/۴/۴ می باشد که نشان می دهد مقامات عالی وزارت دفاع پول گزافی علاوه بر معاش بنام خرج دسترخوان از بیت المال مردم گرسنه اخذ می کنند. برای مثال خرج دسترخوان استر جنرال ماهوار ۸۰ هزار افغانی و دگر جنرال ۳۵ هزار افغانی می باشد. این مثال ها به عنوان مشت نمونه خروار است. دولت افغانستان برای اقلیتی محدود بزرگترین تجارت و منبع پیدا کردن پول شده است. این در حالی است که مقامات وزارت دفاع و وزارت داخله انتظار دالرنند سرباز ما که به جنگ فرستاده می شود، با شکم گرسنه بجنگد. معاش یک سرباز بیش از ۳۵۰۰ افغانی بیشتر نیست. وقتی به جبهه برای قربانی کردن جانش فرستاده می شود، فقط روزی ۱۰۰ افغانی به معاش اضافه می شود. وقتی گشته می شود بر اساس معلوماتی که ما بدست آورده ایم، بازمانده ی: سرباز هفته ها و ماه ها باید تلاش کند تا پول وعده داده شده را بدست آورد. آن هم بعد از دادن رشوت که در ادارات ما یک اصل شده است. در عین حال معاش و امتیازات بازمانده شهید و معلول ما ماهانه تنها ۸ دالر (۴۰۰ افغانی) می باشد. معاش کارمندان از ۲۷۰۰ افغانی تا ۳۵۰۰ افغانی می باشد. در عمل در افغانستان امروز، اقلیتی از شاهدگان غربی و جنگی از سیری می میرند و اکثریت مردم ما از گرسنگی. در چنین حالت و شرایطی ما چگونه انتظار داشته باشیم که ثبات و امنیت برقرار شود. در اولین پیشنهادهای که من چند ماه قبل در ولسی جرگه کردم خواستار حداقل ۶ هزار افغانی معاش برای کارمندان و اجیران دولت، معلولین و بازماندگان شهدا، تنقیص شدگان و متقاعدین شده بودم. متاسفانه این پیشنهاد در دستور کار ولسی جرگه قرار نگرفت. این در حالی است که تعدادی زیاد از وکلای ولسی جرگه سنگ جهاد را به سینه می زنند و خود را وارثین شهدا می دانند.

در آخرین پیشنهاد من به ولسی جرگه درباره بی امنیتی در تاریخ ۱۰ میزان سال روان، گفته بودم که معاشات باید بین ۷ هزار و ۳۰ هزار افغانی باشد. اما باز هم این پیشنهاد در دستور کار قرار نگرفت. شاید یکی از دلایل این است که معاش رییس ولسی جرگه ۱۵۰ هزار افغانی، معاونین وی ۷۵ هزار افغانی و وکلا ۵۵ هزار افغانی می باشد. وکلا به هیچ صورت حاضر نیستند که این مقدار به ۳۰ هزار کاهش یابد و معاش گرسنگان به ۷ هزار افزایش یابد. لازم به ذکر است که وکلا با موافقت کمیسیون مصونیت و امتیازات وکلا و مصونیت و امتیازات سناتوران تلاش دارند که معاش خود را از ۱۱۰۰ دالر به ۲۷۳۰ دالر افزایش دهند. در حالی که مردم انتظار داشتند پارلمان دوکان تجارت برخی از مقامات عالی رتبه را بسته کرده و مطابق قانون به چور و چپاول خاتمه دهند. اما اعضای پارلمان بجای این وظیفه مقدس، خودشان می خواهند شریک چور شوند و دهان جوال را بگیرند. هر چه بکنند نمکش می زنند، وای به روزی که بکنند نمک. امروز نمک گندیده است. اگر این نمک دور انداخته نشود افغانستان بسوی بزرگترین فاجعه بشری در حال حرکت است. بنابر این انحلال پارلمان افغانستان و استعفای حامد کرزی تنها راه حل بیرون رفتن از بن بست موجود است.

بدون شک با داشتن شورای ملی که نفس موجودیت آن اقتدار مردم را در قدرت تمثیل میکند، در راس تمام مسایل مربوطه به افغانستان باید قرار داشته باشند هر چند با مدیریت ضعیف رئیس ولسی جرگه و رخنه کشمکشهای سلیقه بی و سمت و سو بندیهای غیر ملی در بعضی موارد همبستگی و حرکت به سوی اهداف ملی را در ولسی جرگه حذف کرده؛ اما این موضوع هر گز نباید موجودیت نهادی را که تمثیل کننده اراده و حضور مردم است، خدشه دار سازد. چنگ زدن به ابزاری مانند تشکیل جرگه های قومی برای حل بحران مناطق سرحدی بدون شک با این راهکاری که حکومت درپیش گرفته موضوع مناطق پرتنش جنوب و شرق افغانستان را از سطح ملی به شکل قوی آن تنزل داده و نمایش از یک حرکتی را نشان میدهد که گویا این مناطق جز افغانستان نبوده و باید برای حل مشکل آن از طرق دیگری به جز از نماینده گان مردم استفاده صورت گیرد. شاید حکومت این گونه توجیه کند که نماینده گان در شورای ملی در مکانیزم حل بحران شامل خواهند بود؛ اما نباید فراموش کرد که اگر این قدر عزت هم به شورای ملی داده شود، بسیار بسیار نا چیز خواهد بود؛ چون باید تمام مکانیزم و تصمیم گیریها در حل بحران از سوی این شورا گرفته شود. شورای ملی که از آغاز فعالیت خود در سال قبل تا کنون دچار زد و بندهای سلیقه بی و سمت گیری های حاشیه بی بوده باید توجه جدی به جایگاه حق مردم و صلاحیت آنان داشته باشند و نماینده گان این را جداً مدنظر گیرند که امانت ملت نزد آنان است. در عین حال حکومت نیز باید این دموکراسی نیم بند را که با ایجاد شورای ملی به رخ شرق و غرب میکشد با حرکات شتابزده و پیش پای بینانه پیمال نکرده که در غیر آن صلاحیت و جایگاه نهادی که مردم کم و بیش به آن دل بسته اند، از میان خواهد رفت و مانند تعدادی زیادی از سیاستها در چهار سال گذشته ناکام اعلام خواهد شد و روش کهنه و خشونت آمیز حل مسایل دوباره جز اجنای کاری جریانه و گروه ها خواهد گردید.

دستورات غیر قانونی یونس قانونی: قانونی صدر اعظم اپوزسیون یا رئیس ولسی جرگه... قانونی که تصادفاً با بدست آوردن یک اکثریت موقتی، غیر واقعی یا کاذب به حیث رئیس ولسی جرگه انتخاب شد. که این اکثریت کامل نبوده زیرا از ۲۴۴ آراء حاضر آقای قانونی ۱۲۲ آنرا بدست آورد. ماده ۱۰۶ قانون اساسی حکم میکند. (نصاب هریک از دو مجلس شورای ملی هنگام رای گیری باحضور اکثریت اعضاء تکمیل میگردد و تصامیم آن با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ میشود. مگر در مواردی که این قانون اساسی طور دیگری تصریح نموده باشد). آیا بازم میتوان اکثریت نسبی موقتی را اکثریت ماده ۱۰۶ قانون اساسی تلقی کرد؟ این اکثریت باید در اصول و وظایف داخلی مطابق ماده ۱۰۶ تشریح گردد. اصول و وظایف داخلی شورای ملی برای اولین مرتبه توسط یک مشاور فرانسوی آقای ژان ماری لوبارون تدوین و به رئیس دارالانشاء موقت شورای ملی محترم داکتر عزیزالله لودین تسلیم داده شد جناب آقای داکتر عزیزالله لودین از رؤسای دارالانشاء خواهش کردند تا اصول و وظایف داخلی شورای ملی دوره های قدیم کشور را بدست بیاورند بعد از تحقیق جمع آوری اصول و وظایف داخلی فوق آخرین مسوده آن در ماه اسد ۱۳۸۴ ترتیب گردید که این مسوده برای جلالتمناب حکمت چتن و همچنان آقای کرکسان متخصص قانون اساسی فرانسوی ارایه گردید. متن نهایی توسط آقای کرکسان تصحیح شده و دوباره به دارالانشاء موقت ارایه گردید اکثر متخصصین خارجی اظهار داشتند که اصول و وظایف داخلی نظر به موقعیت خاص شورای ملی افغانستان بعد از افتتاح در زمان ریاست موقت هردو مجلس باید از طرف هردو مجلس تصویب گردد اما عجله در این امر بخرچ داده شد ولسی جرگه اصول و وظایف داخلی مذکور را برای سه ماه قبول نمود حال که از افتتاح ولسی جرگه تقریباً ده ماه میگذرد ولسی جرگه افغانستان یگانه مجلس در جهان میباشد که بدون اصول و وظایف داخلی جلسات خود را دایر میکند و کار های خود را بطور نا منسجم و غیر اصولی پیش میبرد علت اصلی این امر اینست که آقای قانونی به حیث رئیس ولسی جرگه نه، بلکه به حیث صدر اعظم اپوزیشن عمل کرده و از روز انتخاب شان تا حال در مقابله با رئیس جمهور موقف اپوزسیون را اخذ نموده و به زودترین فرصت میخواهد جای رئیس جمهور را بدون انتخابات اشغال نمایند آقای قانونی از وقت انتخاب شان در دو جبهه مبارزه خود را علیه رئیس جمهور به پیش میبرند. مبارزه علیه دولت در حصاره تأیید وزراء:)

ماده ۶۴ قانون اساسی در حصره صلاحیتهای و وظایف رئیس جمهور در بند ۱۱ حکم می کند که (تعیین وزراء، لوی حارنوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی، و رئیس سرمیشانت به تائید ولسی جرگه و عزل و استعفاى آنها) قرار عرف پارلمانی تائید و رای اعتماد باهم فرق دارند رای اعتماد زمانی مطرح است که صدراعظم به آرای عمومی انتخاب نشده باشد از طرف رئیس جمهور توظیف گردد در این صورت باید صدراعظم خط مشی خویش را با کابینه اش به پارلمان تقدیم وطلب رای اعتماد نماید. اما زمانیکه خود رئیس جمهور با خط مشی وپلان کاری اش از طرف مردم بطور مستقیم انتخاب میگردد در این صورت تائید مطرح است. از طرف متخصصین مختلف این موضوع چندین بار تشریح گردید خصوصاً آقای کرکسان متخصص قانون یا قوانین اساسی چندین بار تاکید کردند که "تائید وزراء انتخاب ملکه زیبایی نمیباشد تا هر یک جداگانه در معرض رای گیری قرار گیرد. تائید وزراء در قانون اساسی افغانستان یک فارملیته است و بطور دسته جمعی باید صورت بگیرد. ورنه وقت زیاد رامصرف این کار نموده و سبب ضیاع وقت حکومت و پارلمان خواهد گردید" ولسی جرگه افغانستان در اواخر ماه قوس ۱۳۸۴ افتتاح و تائید وزراء در اواسط ماه اسد ۱۳۸۵ خاتمه یافت رئیس جمهور باحکومت مدت زیاده از هفت ماه را صرف تائید وزراء کردند که متنا سفا نه پیشگوی آقای کرکسان صدق نمود. اگر این انرژی در حصره امنیت به مصرف میرسید امروز طالبان سبب بی امنیتی به این اندازه نمی شدند. طالبان هم فهمیدند که رئیس جمهور هم در داخل مصروف مجادله است و فرصت کافی ندارد تا به خدمت ایشان برسد قانونی به مشوره قانون دانهای کا ذ ب که از صنف سوم فاکولته حقوق اخراج و بدون لیسانس دوکتورا گرفته اند و در سابق هم در جهت مخالف منافع ملی افغانستان جبهه گیری نموده بودند جر و بحث و سفسسته سرایی کرده و کاریکه در دو روز باید صورت می گرفت در زیاده از هفت ماه صورت گرفت که این مسائله سبب ضیاع وقت دولت، حکومت و پارلمان گردید و سر انجام چنین نتیجه گیری می شود که قانونی نه تنها اشخاص ایراکه وعده کرده بود تا به وزارت ها نصب کند نه تنها چنین نشد بلکه آن اشخاص فعلاً از جمله مخالفین سیاسی ایشان به شمار میروند زیرا ایشان به حیث وزیر زراعت و غیره تعیین نگردیدند. اگر آقای قانونی از روز انتخاب شان به حیث رئیس ولسی جرگه خواستار تطبیق قانون اساسی در همه جهات میشدند و به رئیس جمهور مثل همکار دست تعاون رامید اندند سرنوشت کشور این طور نمی بود و مقاله روز دوشنبه مورخ ۳ میزان سال جاری تحت عنوان "در شورای ملی چه میگردد؟" عنوان دیگری میداشت. دارا الانشاء شورای ملی تحت عنوان دارالانشاء موقت شورای ملی از ماه حوت سال ۱۳۸۳ به حکم رئیس جمهور تائیس وداکتر عزیزالله لودین یکتن از چهره های ملی جهادی و تعلیم یافته کشور ما درآن شروع بکار کردند. گرچه روئسای مختلف ریاست های دارالانشاء در ماه قوس ۱۳۸۳ از طرف کمیسیون اصلاحات اداری به شکل بی کفا پتا نه تعیین گردیده اما باوجود آن شاغلی داکتر لودین بدون کنترول سوانح آنها با ایشان شروع به کار کردند. کمیسیون اصلاحات اداری که رئیس آن بدون کدام سند تعلیمی خود را داکتر خطاب میکند و به عنوان این درجه هم امضاء می نماید بی کفایت ترین شخص در حصره انتخاب اشخاص در کرسی های ما فوق رتبه، فوق رتبه، رتبه اول و رتبه دوم می باشد این کمیسیون یکتن از روئسای دارالانشاء موقت شورای ملی را بدون داشتن درجه لیسانس به ریاست تقنین دارالانشاء موقت تعیین نموده بود. ناگفته نماند که این تعیین قبل از تعیین شاغلی داکتر عزیزالله لودین صورت گرفته بود و تا دو ماه قبل هیچ کس باور نمی کرد و حالا هم باور رئیس ولسی جرگه و وکلاء نخواهد آمد تا چنین کاری در دارالانشاء صورت گرفته باشد. بر علاوه بدون داشتن لیسانس معاش استثنایی (سوپر سکیل) باید داده نشود رئیس مذکور در فورمه خویش خود را لیسانس قلم داد کرده است کمیسیون اصلاحات اداری تقریباً زیاده از ۱۸ ماه برای رئیس مذکور معاش فوق را خلاف مقررات میدهد. لوی حارنوال، کمیسیون اصلاحات اداری و هیئات اداری ولسی جرگه باید در این مسائله غور نموده و تصمیم جدی اتخاذ نمایند. ولسی جرگه که خود را ضامن تطبیق قوانین میداند چطور قبول میکند که یک شخص دروغگو و جعل کار را در ریاست تقنین خویش داشته باشد؟ ناگفته نباید گذاشت که شخص مذکور به پیشنهاد جناب قانونی صاحب به حیث سر پرست دارالانشاء که اکنون بنام ریاست عمومی اداره امور ولسی جرگه مسمی میباشد پیشنهاد و از طرف رئیس جمهور منظور گردید. تغیر نام دارالانشاء به ریاست عمومی اداره امور بدون اطلاع وکلاء صورت گرفته است. اداره امور که یک میراث حکومت های دست نشانده کمونیستی است بخاطر خوشی وکلاء کمونست از طرف آقای قانونی انتخاب گردیده است در اصول وظایف داخلی ولسی جرگه در هیچ جاه ریاست اداره امور ذکر نشده و این کار بدون مشوره با وکلاء صورت گرفته است باید تذکر داد که وظایف هیئات اداری در اصول وظایف داخلی درج است نه رئیس ولسی جرگه و نه هیئات اداری این صلاحیت را دارد تا بدون اطلاع وکلاء چنین کاری را انجام بدهند. ولسی جرگه افغانستان شخصی ایرا که خودش جعل کار است و لیسانس ندارد موظف ساخت تا دیپلوم و اسناد تحصیلی وزراء را کنترول نماید. و این را میگویند برخاستن کفر از کعبه.

قانونی خلیل رومان را به حیث سرپرست معاون اداری و مالی ریاست عمومی اداره امور پیشنهاد کردند رومان در اوایل ماه اسد سال جاری یک راپور را در حصره مصرف تیل موتر ها نوشته اند و اظهار داشتند که که موتر سرپرست اداره امور زیاده از ۱۳۰۰ لیتر تیل و موتر رئیس اداری ریاست اداره امور زیاده از ۱۲۰۰ لیتر تیل مصرف نموده است هیئات محترم اداری ولسی جرگه و جناب قانونی صاحب موضوع را تا حال نادیده گرفته اند.

رومان راپور دیگر را به هیئات محترم اداری درباره خریداری ۴ موتر از دویی تحریر نموده که هیئات اداری تا حال فرصت مطالعه آنرا پیدا نکردند. قانونی صاحب یک اندازه پول را بیجا برای دیکوریشن دفتر شان به مصرف رسانیده اند و حتی کارمند اداری را به منزل شان برده و برای شان گفتند تا باید پرده های دفتر شان مانند پرده های منزل شان باشد این مصرف از خیرات خارجی ها صورت گرفته است اگر این پول به مصرف دیگری میرسد خوب نمیشد؟ برای عوام فریبی آقای قانونی گفته اند که پول پرده ها از معاش شان حواله شود. چرا آقای قانونی پول دیکوریشن دفتر شانرا از معاش شان نمیپردازند؟

خوب است که قانونی در لندن، دویی، هندوستان و دیگر ممالک خانه ندارد! ورنه مامور اداری را به پول خیرات خارجی ها به خارج فرستاده و دستور میدادند تا دروازه و کلکین های دفتر شان مانند خانه های خارج شان باشد. قانونی به صلاحیت خویش به رئیس جمهور پیشنهاد کرده تا رئیس روابط بین المللی دارالانشاء را از وظیفه اش سبکدوش و به وظیفه دیگری توظیف نمایند نه اصول و وظایف داخلی ولسی جرگه این حق را به جناب قانونی صاحب میدهد و نه پرستیژ جناب شان ایجاب میکنند تا در قسمت تعینات و سبکدوشی مامورین دارالانشاء دست بزنند. باید دانست که تمام مامورین دارالانشاء تریننگ خاص دیده اند و برای هر کدام شان از طرف پروژه سیل از ۱۰ تا ۵۰ هزار دالر مصرف شد قسمیکه دیدیم سویه دارالانشاء به سویه بین المللی بود که آهسته آهسته به سویه ولایتی و اگر وکلاء محترم توجه نمایند بلاخره به سویه ولسوالی تنزیل خواهد کرد پروژه سیل زیاده از ۱۵ ملیون دالر را مصرف کرد تا دارالانشاء به این سویه در اختیار شورای ملی گذاشته شد و حد اقل تا دو سال این تشکیلات و اشخاص باید حفظ میشدند. اما آقای قانونی تصامیم عاجل گرفته و حالاچطور منابع خارجی تشویق شوند تا در این مملکت کمک نمایند به گفته یک تن از مامورین پروژه سیل دارالانشاء شورای ملی مثل موتر آخرین مدل سال در دسترس وکلاء محترم قرار گرفته است و پرزه های موتر فوق تبدیل و به عوض آن پرزه های به سویه ولسوالی بجایش نصب می شود اگر این عمل ادامه پیدا کند بلاخره موتر مذکور از فعالیت خواهد افتاد.

وکلاء محترم ملت افغان لطفاً خود سری های جناب قانونی صاحب و دیگر هیئات اداری را بگیرید و کارهای را که مربوط به خودتان میباشد اولاً در اصول و وظایف داخلی درج نمایند بعد از آنها در مجلس نظارت کنید.

- تصویب اصول و وظایف داخلی ولسی جرگه از جمله عاجلترین و مهم ترین امور میباشد.
- تعیین رئیس دارالانشاء رابه مجلس و یا به کمیته رؤسای هژده گانه کمیسیون ها و هیئات اداری محول نمائید و نگذارید که رئیس دارالانشاء قرار داد های خو سرانه را امضاء نماید (قرار داد ترمیم امارت حوزه پنجم امنیتی).
- تعیین رؤسای دارالانشاء به پیشنهاد کمیسیون مربوط صورت بگیرد تعیین رؤسای هشت گانه دارالانشاء (ریاست تقنین، ریاست اطلاعات عامه، ریاست امنیت، ریاست قوای بشری، ریاست روابط بین المللی، ریاست مالی، ریاست اداری و ریاست تکنالوژی و معلوماتی) به پیشنهاد کمیسیون های ولسی جرگه و تأیید کمیسیون اصلاحات اداری صورت بگیرد. دارالانشاء مربوط تمام وکلاء محترم میباشد و هر وکیل باید از آن مثل دفتر خود نظارت نمایند وکلای محترم نگزارید تا دارالانشاء به سندروم وزارت داخله و وزارت معارف مبتلا شود.

تنش بین ژورنالستان ولسی جرگه: رسانه های غیر دولتی اخبار شورای ملی را تحریم نموده و از نشر آن به علت برخورد نادرست وکلا خود داری نمودند. این بایکات (تحریم) روز گذشته، بعد از آن صورت گرفت که محمد عارف نورزی معاون اول ولسی جرگه و رییس موقت جرگه، ژورنالستان را از جرگه بیرون نمودند و امتیازات خود را در جلسه سری تصویب نمودند. هوشدار بایکات به شورای ملی، از طرف اتحادیه ژورنالستان در یک نشست خبری روز گذشته اعلام گردید. محمد غوث زلمی رییس اتحادیه ژورنالستان درمورد اینکه این تحریم تا چه وقت ادامه خواهند داشت؟ گفت: ما هیچ وقت با آنها در تماس نمیشویم تا زمانیکه هیئت رییس ولسی جرگه از رسانه های خبری معذرت نخواهدما تحریم خود را ادامه میدهیم. همچنان رحیم الله سمندر رییس کمیته دفاع از ژورنا لستان گفت که این کمیته نیز تحریم از پارلمان را اعلان نموده است و از رسانه ها خواسته است که اخبار پارلمان را نشر نکنند. به گفته موصوف، بیشتر جلسات آنها که سری دایر شده روی امتیازات و مسایل شخصی خود شان بوده که نخواستند ژورنالستان آنرا نشر نمایند. وی افزود: ما قبلاً تصمیم گرفته بودیم که در صورت برخورد نادرست وکلا بایکات اعلام میکنم و حالا اعلام کردیم. به گفته وی تا شماری از وکلا رویه و برخورد فعلی خود را تغییر ندهد، تحریم ادامه خواهد داشت. وی درمورد اینکه اگر رسانه این تحریم را میشکند برخورد اتحادیه با آنها چه خواهد بود؟ گفت: ما کوشش میکنیم که تمام رسانه ها همسان یکصدا داشته باشند. همچنان محمد غنی مدقق مسؤل اخبار تلویزیون آریانا گفت: ما منتظر هستیم که شورا چه تصمیم میگیرد و ما تحریم خود را تا زمانیکه دیگر رسانه ها ادامه میدهد، ادامه میدهیم. داؤد شاه مل خبرنگار انترنیوز که اخبار پارلمانی را تهیه مینماید گفت: به نظر من تا زمانیکه وکلا از برخورد نادرست خود نسبت به ژورنالستان معذرت نخواهد این تحریم ادامه یابد. همچنان محمد امین مدقق مسؤل رادیوی آزادی درتحریم اخبار پارلمانی با رسانه های دیگر، همبستگی این رادیو را اعلام نمود. این بارنخست نیست که خبرنگاران مورد توهین وکلا قرار میگیرند، بلکه در گذشته نیز همچو برخوردهای نادرست با خبرنگاران صورت گرفته و حتی مورد لت وکوب قرار گرفتند. ولسی جرگه در حالی چندین بار

ژورنالستان را تهدید نموده ، که در آغاز کار خود از تمام رسانه ها خواسته بود تا رویداد های جلسات شان را نشر نمایند.

همچنان بحث روی امتیازات وکلا باعث سری شدن جلسه عمومی ولسی جرگه گردید. بحث اصلی ولسی جرگه روی تشکیلات اساسی دولت بود. برخی از وکلا گفتند که از طرف هیئت اداری ولسی جرگه به مؤسسات خارجی پیغام فرستاده شده است تا برای وکلایی که در ورکشاپها شرکت می کنند، روزانه مبلغ ۵ دالر باید پرداخت شود. آنان به این موضوع اعتراض نموده و این کار هیئت اداری را خلاف شأن وکلایی ولسی جرگه خواندند. در پی این سخنان، تالار جلسه عمومی ولسی جرگه به تشنج کشیده شد و عارف نورزی رئیس جلسه پس از رای گیری جلسه را سری و از مطبوعات خواست که جلسه را ترک نمایند. اما جمعی از وکلا از جمله سرور جوادی، داکتر کبیر رنجبر، شکرپه بارکزی، معین مرستیال، میراحمد جوینده و چند تن دیگر نسبت به سری بودن جلسه اعتراض کرده و جلسه را ترک کردند. داکتر رنجبر در خصوص ترک جلسه در بین خبرنگاران گفت: رای گیری امروز برخلاف ماده یک و صد و شش قانون اساسی بود و این موضوع به برخی از افشاگری ها ارتباط می گرفت که باعث هراس هیئت اداری می شد. سرور جوادی نماینده مردم بامیان هم ضمن انتقاد از عملکرد هیئت اداری درباره سری کردن جلسه امروز اظهار داشت که رای گیری صد فی صد غیرقانونی بوده است. وی علاوه نمود از اسرار امنیتی کشور تمام کشورهای خارجی خبر دارند و آنها تصمیم گیرنده هستند پس چرا مردم ما در جریان نباشند. شکرپه بارکزی هم ضمن انتقاد از هیئت اداری گفت، که گرایش های سیاسی و تنظیمی به مراتب بالاتر از اصول پارلمانی است و این باعث عدم خوب اداره کردن جلسه توسط هیئت اداری شده است که آنها علایق و روابط تنظیمی را در اولویت قرار داده اند.

گزارش حقوق بشر



خاکستر شعله پروری می خواهند
آواز غم آلوده تری می خواهند

سوختگان باز پری می خواهند
آنان که ز یک قفس جدا کردند



بالنده و رقصنده و دامن گستر
در می شکنند فرود می آرد سر

موجی است که می کند سر از دریا بر
میلش همه پرواز و رهایی است ولی



لغزید ز کوه و دره ها را پل بست
یک دسته گل بهاری بی گل بست

مه بر سر خاربوته ها کاکل بست
پیچید به گرد جنگل ابریشم وار



بر راه دراز باد منزل می جست
در برکه پرنده ای سر و تن می شست

از دامنه افق سیاهی می رست
می خفت صداها پرکنده دشت



در جنگل خاموش خزان پرور من
ای سرکش ای امید ناباور من.

باد است و پرکنده به هر سو پر من
پر بار تر از غم ببین باغم را

بعد از سقوط طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱، سازمان نظارت بر حقوق بشر تعداد زیادی از قضایای مربوط به تهدید و خشونت سیاسی توسط قوای مسلح، پولیس و نیروهای امنیتی را در بخشهای مختلف جنوب شرق افغانستان ثبت نموده است. در نیمه اول سال ۲۰۰۳ سازمان، قضایای زیاد نوری را که در آن نیروهای امنیتی، رهبران و فعالین سیاسی،

بخصوص آنهایی را که دست به ایجاد احزاب مخالف میزنند، تهدید نموده، نیز ثبت کرده است. در ماه جون سال ۲۰۰۲ لویه جرگه افغانها، بر اساس توافقات بن دایر و حکومت انتقالی را تعیین نمود. در جریان جلسات لویه جرگه، تعداد زیادی از رهبران سیاسی و نظامی، اعضای غیر قدرتمند جلسه را تهدید میکردند و ایجنت های امنیت ملی این نمایندگان را بصورت تهدید آمیز مورد مراقبت قرار میدادند. اشخاص تهدید کننده مربوط به قوتهای وزیر دفاع فهیم و وزیر تعلیم و تربیه قانونی، اجنتهای برهان الدین ربانی و عبدالرب رسول سیاف، کارمندان حزب وحدت و حرکت اسلامی بودند. بر علاوه اجنتهای اسمعیل خان والی هرات نیز در این امر سهم میگرفتند. یکی از اشتراک کنندگان، برخورد با یکی از قوماندانان حرکت اسلامی را این گونه شرح میدهد: " وقتی من از جرگه خارج میشدم، آنها مرا گرفتار کردند... بعد از آن که من در ارتباط به این حقیقت که حرکت، انتخابات محلی را تحت کنترل داشت، شکایت کردم، برای من گفتند: " تو ما را انتقاد کردی و این غلط بود." آنها مرا تهدید کردند: " اگر تو در مخالفت با ما بریزی، ما تو را خواهیم کشت. شاید این یک تصادف باشد و یا تو را موتر بزند. نمی خواهی بفهمی؟ " و آنها بعضی اشخاص را به همین گونه کشتند. یکی دیگر از فعالین سیاسی در سال ۲۰۰۳ تایید نمود که مشکل وی با تهدیدات سیاسی، از لویه جرگه آغاز گردید. یک سازمانده و رهبر فعال سیاسی در کابل بنام محمد س که میخواست یک گروه جدید سیاسی را قبل از تشکیل لویه جرگه بوجود آورد به سازمان گفت که ایجنتهای امنیت ملی وی را گرفتار و مورد بازجویی قرار داده و زندانی نمودند. وی را بخاطر فعالیتهای سیاسی با شکنجه تهدید نمودند. موصوف در ارتباط به گرفتاری خود چنین میگوید: " آنها چهار نفر بودند. یکی از آنها یونیفورم پلیس به تن داشت... آنها مرا در راه پایین شدن از بلاک تعقیب کردند. آنها صدا زدند که ما می خواهیم با تو گپ بزنیم. من پرسیدم که شما کی استید. یکی از آنها گفت که وی مامور پلیس است. اشاره به یک پسر خیلی جوان نمود و من گفتم که این یک پسر بچه است. وی تفنگچه خود را به من نشان داد و ما داخل یک خانه شدیم. بعدا برای من گفتند که آنها ایجنتهای امنیت ملی اند. آنها مرا و بکسم را تلاشی کردند و مورد بازجویی قرار دادند... " موصوف اظهار میدارد که وی را به اداره اول امنیت ملی میبردند. وی را به اطاقی که در آن تقریباً صد نفر دیگر را نیز آورده بودند، حبس میکنند. محمد س اضافه مینماید: " بعد از آن کدام سئوالی مطرح نگردید. ما صرف توقیف بودیم. در آن جا کدام محلی برای رفع حاجت وجود نداشت. بعضی از اشخاص صدا میزدند و میخواستند برای رفع حاجت بیرون بروند ولی کسی صدای شانرا نمی شنید و به آنها اجازه داد نمیشد و آنها مجبوراً به یک گوشه اطاق به رفع حاجت میرداختند... اصلاً در این اطاق کوچک جای برای خوابیدن حدود صد نفر نبود و همه تقریباً در کنار هم و با استفاده از یک دیگر بچی تکیه میخوابیدند. بعدا برای برخی از ما اجازه دادند که از مستراح استفاده نماییم...". وی اضافه مینماید: " ما را در اطاقهای سی نفره تقسیم نمودند. در این زمان برای ما غذای کثیف و آلوده میدادند و همه به مرض اسهال دچار شدند. آنها توقیف شدگان را از دست و پا پاه آویزان میکردند و گاهی تا صبح چنین نگاهداشتند. از شوک برقی نیز استفاده میکردند... کسی که اطاعت نمیکرد، شدیداً مورد شکنجه قرار میگرفت. وی را به اطاقی میبردند و بالای آن کمپل خیلی بزرگ و کثیفی را که پر از کیک و خسک بود می انداختند. یک نفر که آشپز یکی از سازمانهای سیاسی بود و چنین مورد شکنجه قرار گرفته بود میگوید که این شکنجه واقعا خیلی وحشتناک بود. معمولاً این چنین شکنجه، قبل از تحقیق داده میشد و گاهی هم بعد از تحقیق... من اشخاصی را دیدم که سخت مورد لت و کوب قرار گرفته بودند. آنها را با شلاق رابری که از تایر موتر ساخته شده بود، زده بودند. برای ما بزرگترین شکنجه این بود که خانواده ما نمیدانستند که ما کجا هستیم و آنها فکر میکردند که ما کشته شده ایم". در اواخر سال ۲۰۰۲ یک سازمان کوچک سیاسی که برخی اعضای آن از سایر ولایات بودند، دست به نشر یک جریده در ارتباط به مسائل سیاسی افغانستان زدند. در نومبر سال ۲۰۰۲ این حزب یک سلسله مقالات انتقادی را در مورد چگونگی ساختمان و تشکیل کابینه و سهم و نقش تعدادی از اعضای کابینه در جنگهای کابل در اوایل دهه ۱۹۹۰، در نشریه مربوط به نشر رسانید. رهبر حزب " ح رحمن " تهدید های مختلفی را به شمول تهدید از جانب یونس قانونی وزیر معارف و رهبر شورای نظار بدست آورد. وی میگوید: " قانونی بالای ما قهر بود. یکی از معاونان وی ساعت هفت صبح به من زنگ زد. او گفت که من اشتباه کرده ام. او گفت که او با تعداد دیگر برای حل این مساله ساعت هشت و سی می آیند. وی علاوه نمود که " نشریه شما یک منبع افتراق بین مجاهدین و مردم است. شما میان ما جنجال خلق میکنید که اگر حل نشود به نتایج فاجعه بار میرسد." من از خود دفاع کردم و نکات نظر خود را بیان نمودم؛ ولی وی گفت که " نه، کاری که شما میکنید تحریکات علیه مجاهدین است. ما یک و نیم ساعت وقت داریم که این مساله را حل نماییم... اگر قبول نکردی، تو دیگر حق ادامه زندگی را نداری." تلیفون را قانونی گرفت. او گفت " راهی را که شما تعقیب میکنید غلط است. این صرف تملق نسبت به خارجی ها است. شما حق ندارید که در مسایل ما مداخله کنید. من از شما میخوام که بالای حرکت تان و نشرات تان تجدید نظر کنید. شما مخالف مجاهدین استید." ولی من گفتم که من مجاهد بودم." و او گفت: " من میفهمم ولی تو تغییر کردی." من گفتم: " نه، من تغییر نکرده ام لیکن شما قدرت گرفتید و تغییر کردید... " او گفت: " قبول داری. می خواهی اطاعت کنی؟" من گفتم: " نه" وی گفت: " پس ما ساعت هشت و سی آنجا خواهیم بود." رحمن با اعتقاد به این که یا گرفتار میشود و یا کشته، تلاش مینماید که کمک وزیر داخله و پولیس را جلب نماید، ولی به نتیجه نمیرسد و آنها به دلایلی از کمک خوداری میکنند. وی به یکی از

دیپلومات‌های مقیم کابل که آن را میشناخت و امکانات تماس گرفتن با آیساف را داشت، زنگ میزند. بالاخر ساعتی بعد نیروهای آیساف درست در فرصتی که تعدادی از افراد امنیت ملی در اطاق داخل استند، حاضر میشوند و مانع تعرض میگردند. چند هفته بعد، در دسمبر ۲۰۰۲، تعداد دیگری از کارمندان امنیت ملی به دفتر حزب می آیند و شدیداً موصوف را تهدید مینمایند که از چاپ نشریه خوداری نموده و به شورای نظر بپیوندد. این چنین مراجعه‌ها و تهدیدها به شمول گرفتاری، زندان، قتل و ناپدید شدن، بارها تکرار میشود و در مقابل تغییر در پالیسی، برای موصوف پیشنهاد مقامهای دلخواه در هر ارگانی که خواسته باشد نیز پیش کش میگردد. در اواخر جنوری ۲۰۰۳، رحمن یک مقاله انتقادی در مورد عبدالرب سیاف نوشت. بعد از آن رحمن میگوید که سیاف شخصاً تلفون میکند و وی را تهدید مینماید و از وی میخواهد که به خانه اش بیاید و این موضوع را توضیح بدهد؛ ولی رحمن از ترس نبود امنیت، رفتن به خانه وی را رد مینماید. چند ماه بعد در اواخر می ۲۰۰۳، زمانی که موصوف در راه لوگر موتر میراند، توسط تعدادی از افراد مسلح که وی را با کلیشنکوف تهدید مینمودند، مورد تعقیب قرار میگردد. بالاخر با تصادم در بازار لوگر موتر وی را متوقف میسازند و موصوف را از موتر خارج نموده و شدیداً با لغت و قنداق تفنگ مورد لت و کوب قرار میدهند. رحمن میگوید: " آنها مرا میزدند و همزمان میپرسیدند: " کی برای تو گفته علیه مجاهدین مقاله بنویسی و بگویی که ۲۷ اپریل و ۲۸ اپریل دو برادر اند." این عنوان آخرین شماره ما بود. آنها شش نفر بودند. سه نفر آنها یونیفورم نظامی داشتند، یک نفر لباس پولیس و دو نفر لباس شخصی. آنها مرا شدیداً مورد لت و کوب قرار دادند. تعداد زیاد مردم به دور ما جمع شده بودند. و آنها میگفتند که این مرد بیچاره را نزنید. تحت فشار مردم آنها مرا رها کردند، و گفتند که این بار خلاص شدی و بار دیگر کشته میشوی." زیر تأثیر این تهدیدها، نشرات آزاد تغییر پالیسی دادند و انتقاد علیه رهبران مجاهدین در جراید و روزنامه‌ها خیلی کم‌رنگ گردید و حتی متوقف شد. یکی دیگر از رهبران سیاسی در کابل که نخواست در مورد تجارب خود بخاطر ترس از انتقامجویی، آزادانه صحبت کند، میگوید که مخصوصاً از سیاف میترسد و علاوه نمود که اکثر کارمندان امنیت ملی بر طبق هدایت سیاف عمل میکنند. وی میگوید: " من در جریان جلسات لویه جرگه چندین بار مورد بازجویی و آزار قرار گرفتم، مخصوصاً توسط آدمهای سیاف و امنیت. حالا آنها دوباره برای من و دوستان من مشکل خلق میکنند. ما مورد مراقبت، تعقیب و تهدید قرار داریم. در این جا گرفتاری‌های خودسرانه صورت میگردد. مردم توسط مقامات بخاطر پول شان گرفتار میشوند. آنها مردم را در پوسته‌های امنیتی بخاطر جرایمی که خود میسازند، گرفتار میکنند. یکی دیگر از رهبران سیاسی که قبلاً در پغمان زندگی میکرد، در ارتباط به ترس خود از نیروهای امنیتی در کابل و بخصوص نیروهای سیاف، به سازمان گفت: " ما مجبور استیم که فعالیت‌های خود را مخفی نگهداریم... ما حاضر هستیم که قربانی بدهیم ولی نمیخواهیم بیجهت زندگی خود را از دست بدهیم... بارها اعضای حزب ما در بخش‌های مختلف افغانستان، نگرانی خود را در مورد نبود امنیت ابراز داشته‌اند. مشوره من برای آنها این است که محتاط باشند و کار علنی ننمایند... زیرا میفهمیم که اگر ما از خط سرخ عبور نماییم، آنها ما را میکشند." شخص دیگر که قبلاً پناهنده و تنظیم کننده سازمان محلی در پاکستان بود، توضیح میدهد چرا بعد از برگشت به افغانستان تصمیم گرفته که در فعالیت‌های سیاسی سهم نگیرد: " من نمیخواهم با دولت کار نمایم. من از این تنظیم‌ها میترسم. من نمیخواهم مشهور باشم. اگر شهرت پیدا کنم، میدانم که زندگی من به خطر می‌افتد. من ترجیح میدهم که زندگی آرام و صلح آمیز داشته باشم." موصوف میگوید که وی در کابل زندگی میکند و نمیخواهد در قریه خود به غزنی برود زیرا او میفهمد که بخاطر فعالیت‌های سیاسی گذشته خود دچار مشکلات میشود. رهبر سیاسی از پغمان که قبلاً در مورد وی گفته شد، اضافه میکند که وی از مسافرت به پغمان میترسد، جایی که حامیان سیاف آن را کنترل میکنند. وی در مورد فضای سیاسی در کابل نظر خود را چنین ابراز میدارد: " در میان حاکمیت، آنهایی که از غرب آمده‌اند، میتوانند که ما را تحمل کنند... ولی بنیادگراها و گروه‌های مجاهدین ما را تحمل کرده نمیتوانند... آنها میدانند که احزاب جدید سیاسی تهدید کننده مهم موقف آنها میباشدند. مخصوصاً زمانی که آنها خلع سلاح شوند و از قدرت دور گردند، شاید به محکمه سپرده شوند. با این ترس، آنها متمایل اند که حتی فعالان سیاسی را به قتل برسانند، وقتی فکر کنند که آنها خطرناک اند... اگر یکی از اعضای حزب ما و یا سایر احزاب، به استثنای احزاب جهادی، علناً دست به کاری زند، ممکن است کشته شود." این رهبر سیاسی پذیرفت که برخی رهبران سیاسی از دولت و ارگانهای امنیتی انتقاد میکنند، و آزادانه فعالیت مینمایند، ولی دلایل مشخصی برای چنین کار وجود دارد. وی میگوید: " ممکن است این سؤال در ذهن شما خطور کند که هستند بعضی احزاب سیاسی که علناً فعالیت میکنند... خوب این درست است. ولی آنها توسط برخی اشخاص و قدرتها حمایت میشوند؛ به گونه مثال، قدرتهای بین المللی یا ایجنسی‌ها، و یا دولتهای خارجی. از آن جا که ما چنین منابع حمایت کننده نداریم، بنابراین نمیتوانیم آزادانه و علنی فعالیت کنیم." سازمان بر اساس تئیت تهدیدهای ناشی از فعالیت‌های سیاسی نتیجه میگیرد که وضعیت در خارج از کابل به مراتب بدتر از کابل میباشد.

ادامه دارد